

تحلیل گفتمان ادبی نشریه کیهان فرهنگی

دلپسند، محمد

دانشجوی دکترا جهاد دانشگاهی هرمزگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

چکیده

رسانه های جمعی ابزاری کارآمد در انتقال آرا و اندیشه های نیروهای فکری جامعه به شمار می آیند. جهت گیری این ابزار ارتباط جمعی به سمت جریان های فکری خاص، همواره و به شکلی آشکار در ساختار و محتوای این رسانه-ها بروز نمی یابد و دستیابی به آن، تنها با استفاده از روش هایی امکان پذیر است که با کنار زدن لایه های برون زبانی (متنی) این آثار، ژرف ساخت و لایه های زیرین آن ها را آشکار می سازد. تحلیل گفتمان ادبی نشریهی "کیهان فرهنگی" (در نیمه ی دوم دهه ی هشتاد شمسی) با استفاده از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی (به طور ویژه مرحله-ی توصیف رویکرد کردار گفتمانی نورمن فرکلاف)، به منظور نشان دادن ردپای اندیشه و خط مشی صاحبان فکری نشریه ی کیهان فرهنگی در لایه های زیرین گفتمان ادبی آن صورت گرفته است.

تحلیل گفتمان ادبی نشریه ی یادشده، نشان می دهد که این نشریه در راستای خط مشی اصلی گردانندگان خویش، با تکیه بر مؤلفه های گفتمانی خاص، موضوعها، چهره ها و آثار خاصی را مطرح ساخته و در جدال میان سنت و تجدد، به مفصل بندی گفتمانی خاص و متناسب با کلان گفتمان های سنت گرایی و تجددگرایی موجود در فضای اجتماع پرداخته اند.

کلیدواژه: تحلیل گفتمان، سنت گرایی، تجدد گرایی، رسانه های جمعی، کیهان فرهنگی.

۱- مقدمه

در ایران و از زمان شکل گیری نخستین روزنامه ها در دوره قاجار (کاغذ اخبار به دست میرزا صالح شیرازی) تاکنون که انواع مختلف روزنامه، مجله، نشریه، هفته نامه، ماهنامه و ...، با موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی و ... بازتابی وسیع در جامعه داشته است، علاوه بر انتقال و انعکاس وقایع روز، گردانندگان این ارگان ها در تلاش بوده اند تا با سامان دهی موضوعات خاص، افکار عمومی را در راستای اهداف خویش در جهتی خاص هدایت و با خود همراه کنند. تغییرات پرشتاب و دامنه دار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران از مشروطه به این سو، تغییر و تحول گسترده و عمیق فضای فکری جامعه را در پی داشته است. با ورود تجدد و نوگرایی به ایران، تمامی عرصه-های جامعه، صحنه ی نزاع نیروهای مختلف قرار گرفت که اصلی ترین شکل آن در قالب تقابل سنت و مدرنیته، همواره جامعه را دستخوش تحولاتی تازه قرار داده است.

در شرایط سیاسی، اجتماعی ایران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، فضای فکری جامعه، متناسب با شرایط حاکم بر آن در دوره های مختلف، سمت و سویی متفاوت یافت که ردپای آن را در نشریه های مختلف هر دوره می توان مشاهده کرد. نشریه هایی که با جهت گیری های فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاص، مبلغ مفاهیم و معانی

مورد نظر گفتمان هایی خاص بوده اند و با استفاده از شگردهای ویژه، زمینه را برای تسلط هژمونیک یک گفتمان و فروپاشی و ازهم گسیختن دال های مرکزی گفتمانی دیگر فراهم آورده اند.

۲. بیان مساله

توجه به نقش و جایگاه زبان در بستر تحولات روزافزون دنیای مدرن و بررسی چیستی، خاستگاه و کارکرد آن در جامعه ی انسانی، گرایش های فکری نوینداری را پی افکند که با تأثیرپذیری از دیدگاه های فلسفی، زبان شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی پسامدرن، راه های تازه ای را در عرصه ی مطالعات علوم انسانی و اجتماعی، پیش روی نهاد. «تحلیل گفتمان» و حوزه های مختلف آن از جمله مباحث نظری جدیدی است که در نتیجه ی بررسی اهمیت زبان در عرصه ی اجتماع و ساحت های انسانی در نیمه ی دوم قرن بیستم شکل گرفت.

تحلیل گفتمان، یکی از روش های پژوهش کیفی است که با به کارگیری یک رشته اصول، به بررسی متن-های مختلف (حاوی مؤلفه های گفتمان مدار و غیرگفتمان مدار) می پردازد. گرایش فزاینده به استفاده از تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، بیانگر توانایی این شیوه در ایجاد نگرشی خاص پیرامون پدیده های مختلف اجتماعی، سیاسی و ... است. «تحلیل گفتمان با تلاش در راستای تلفیق نظریه و عمل، سطح خرد و کلان و تلفیق رشته های مختلف مثل زبان شناسی، روان شناسی، جامعه شناختی، نشان داده است که قادر می باشد نگرشی را درمورد بسیاری از پدیده های اجتماعی و ذهنی پدید آورد که سایر رشته ها آن را نادیده می انگارند» (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۹).

از جمله حوزه های مورد توجه و مطالعه ی تحلیل گران گفتمان در دهه های اخیر، رسانه های جمعی به ویژه روزنامه ها و مجله ها است که محتوایشان با توجه به گرایش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی موجود در آن ها، بستری مناسب جهت بررسی گفتمان های حاکم بر فضای جامعه است. کشف و تبیین انتقادی، نظام مند و کاربردی مقوله های سیاسی و اجتماعی موجود در این متون، مانند: «قدرت»، «نظام سلطه»، «ایدئولوژی حاکم»، «هژمونی»، تنها با کاربست رهیافت های تحلیل گفتمان انتقادی امکان پذیر است. «از آن جا که به گفته مک دانل "وظیفه گفتمان در بازتولید مناسبات سلطه اجتماعی از طریق کنترل معنا قرار دارد" و تثبیت مناسبات اجتماعی سلطه، متضمن مناسبات گفتمانی و معناست، ظهور چنین گرایشی (تحلیل گفتمان انتقادی) در مطالعات گفتمانی کاملاً توجیه پذیر است» (فاضلی، ۱۳۸۳: ۹۰).

استفاده از رهیافت های تحلیل گفتمان انتقادی در بررسی متن های مختلف، مستلزم پذیرش و تأیید اصول کلی و مبانی نظری رهیافت مورد نظر است. از این رو، پژوهش حاضر با تکیه بر پیش فرض ها و زمینه نظری اندیشه نورمن فرکلاف در خصوص تحلیل گفتمان انتقادی و با تکیه بر رویکرد «کردار اجتماعی» وی، به تحلیل گفتمان ادبی نشریه «کیهان فرهنگی» می پردازد.

۱-۳ اهداف و ضرورت های پژوهش

این پژوهش در پی تحلیل و بررسی متون رسانه ای نشریه «کیهان فرهنگی» برآمده است. نگارنده با آگاهی از نقش رسانه ها در جهت بخشی افکار عمومی و طبیعی سازی مؤلفه های گفتمانی، در پی تحلیل متون ادبی نشریات مذکور

برآمده تا با بررسی عناوین متن، شخصیت ها و آثار ادبی مطرح شده در آن‌ها، ردپای اندیشه ی گردانندگان این نشریات را در شکل گیری گفتمان ادبی خاص هر یک از آن ها نشان دهد.

به این ترتیب، هدف از بررسی گفتمان ادبی نشریه ی کیهان فرهنگی، علاوه بر شناسایی و معرفی گفتمان های ادبی مروج پایگاه های فکری و عقبه ی تئوریک گردانندگان این نشریه از منظر گفتمان های ادبی مطرح شده، با تکیه بر شیوه ی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. تأکید اصلی نگارنده در این پژوهش، بر مرحله ی توصیفی این روش و نقش واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن در شکل گیری مؤلفه‌های گفتمان مدار است.

۴-۱ پیشینه پژوهش

- در بررسی پیشینه پژوهش، نمونه ای مشابه با تحقیق حاضر که به بررسی تحلیل گفتمان انتقادی نشریه های کشور از دیدگاه ادبی اختصاص یافته باشد، مشاهده نشد. مواردی که در ادامه بیان می شود، تنها در رویکرد نظری به متون (ادبی یا غیرادبی) از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با پژوهش حاضر در یک راستا قرار می گیرند.
- سرمدی، پرستو (۱۳۸۹) بررسی مقایسه ای گفتمان رسمی در مورد زنان و گفتمان نشریات و شکل های غیردولتی زنان؛ دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء: دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، استاد راهنما: محبوبه پاک نیا.
- حامدی شیروان، زهرا (۱۳۸۸) تحلیل گفتمان انتقادی پاره ای از متون مطبوعاتی معاصر، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، استاد راهنما: اعظم استاجی.
- دسپ، سیدعلی (۱۳۸۸) تحلیل گفتمان غالب در رمان های سیمین دانشور (سووشون، جزیره-ی سرگردانی و ساربان سرگردان)، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، استاد راهنما: حسینعلی قبادی.
- کاویانی، علی (۱۳۸۹) نقش عوامل فراگفتمانی در بازنمایی طبقه ی متوسط جدید، مطالعه موردی روزنامه ی همشهری (۱۳۷۴ و ۱۳۷۸)؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، استاد راهنما: حامد حاجی حیدری.
- کنگوری، اکرم (۱۳۹۰) بررسی تصویر ایران در روزنامه های واشنگتن پست و نیویورک تایمز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ: دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما: محمد رضایی.
- گودرزی، محسن (۱۳۹۱) بازنمایی ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران در روزنامه ی واشنگتن پست: مطالعه ی سال های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۰ میلادی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، استاد راهنما: سید محمد مهدی زاده.

۱-۵ روش تحقیق

با توجه به اهداف پژوهش حاضر، نگارنده در پی تحلیل نقش قدرت متبلور شده در زبان نشریات مذکور نیست، بلکه با رویکردی گفتمان گونه به عنوان روشی کل نگر و کیفی، در پی تحلیل گفتمان ادبی مسلط در نشریه ی «کیهان

فرهنگی « است. اگرچه در همین بررسی نیز در پی این تحلیل این مسأله است که گرایش فکری خاص گردانندگان نشریات مذکور، در جهت گیری خاص آن ها نسبت به مسائل ادبی چگونه بازنمایی شده است. به همین منظور و در پی تحلیلی روشمند، مقوله های زبانی جهت مند و گفتمان مدار نشریه های یادشده، در قالب مرحله ی نخست شیوه ی تحلیل گفتمانی فرکلاف یعنی سطح توصیف بررسی می شود.

فرکلاف با رویکرد کردار اجتماعی به زبان، در تحلیل انتقادی گفتمان از الگویی سه مرحله ای بهره برده است که در آن، «ابتدا به توصیف عناصر سازنده ی گفتمان به طور مجزا می پردازد [و] در مرحله ی بعد، این عناصر را به سطحی بزرگ تر که کل مجموعه ی تشکیل دهنده ی گفتمان است، ارتباط می دهد و در نهایت به تبیین کیفیات این گفتمان و تبیین جایگاه و نقش آن در سطح کلان پس زمینه ی اجتماعی می-پردازد» (خانیک، ۱۳۹۲: ۲۵۹). در پژوهش حاضر، مبنای کار بر مرحله ی نخست این رویکرد قرار دارد. پژوهش گر در این مرحله (توصیف) با تکیه بر مؤلفه های زبانی، «متن را منتزع از زمینه و شرایط تحلیل می کند و به بررسی سازوکارهای مهارگر و کنترلی آن برحسب سه مؤلفه ی مضامین، روابط و هویت ها می پردازد» (خانیک، ۱۳۹۲: ۲۶۰). در نظر فرکلاف، ارزش های تجربی، ارزش های رابطی و ارزش های بیانی، به ترتیب بیانگر ویژگی های دال بر مضامین، روابط و هویت فاعلان هستند که در سطح واژگان، نحوی و ساختارهای معنایی قابل پیگیری و واکاوی اند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۱). فرکلاف در تحلیل ویژگی های زبانی متن، پرسش هایی را مطرح می سازد که پاسخ گویی به آن ها، راه را برای تحلیل گفتمانی متن هموار می سازد. این پرسش ها که ناظر بر ارزش های تجربی، رابطی و بیانی اند، متن را در سطح واژگان، نحوی و ساختارهای معنایی به چالش می کشد تا مؤلفه های گفتمان-مدار آن را برجسته و لایه های زیرین معنایی آن را کشف کند.

۱-۵-۱ واژگان

۱. واژگانی که بر ارزش های تجربی دلالت دارند کدام اند؟
۲. واژگان دال بر ارزش های رابطی کدام است؟
۳. واژگانی که بر ارزش های بیانی دلالت دارد کدام است؟
۴. استعارات متن کدام اند؟
۵. تعداد و دسته بندی واژگان ارزشی مؤید و محمل چه نوع رویکرد و دیدگاهی است؟
۶. کدام یک از دسته های واژگان به کار گرفته شده از لحاظ تعداد ارجحیت دارند؟

۱-۵-۲ سطح نحوی

۱. ساختارهای نحوی و دستوری، حاوی کدام ارزش های تجربی اند؟
۲. ساختارهای نحوی حاوی کدام ارزش های رابطی است؟

۱-۵-۳ ساختارهای معنایی متن

۱. متن حاوی کدام قواعد تعاملی (مصاحبه، تدریس، گفتگو و ...) است؟
 ۲. آیا راهی وجود دارد که نشانگر کنترل یکی از طرفین گفتگو توسط دیگری باشد؟
 ۳. متن حاوی کدام ساختارهای بزرگ معنایی است؟ (رک. خانیک، ۱۳۹۲: ۲۶۰-۲۶۳)
- فرکلاف با تمایز قائل شدن میان سه نوع ارزشی که ویژگی های صوری ممکن است واجد آن باشند، به تعریف هر یک از آن ها می پردازد.

۲-۱- یافته های پژوهش

در سال های پس از انقلاب اسلامی، نشریه های ادبی و فرهنگی گوناگونی منتشر شدند که هریک نماینده طیف فکری خاص و سلیقه و گرایش فرهنگی ادبی متمایزی بودند (نشریه هایی چون گردون، کارنامه، آدینه، دنیای سخن، ادبیات معاصر، شعر، ادبیات داستانی، نافه، گلستانه عصر پنجشنبه و... که هریک گرایش یا نحله فکری خاصی را نمایندگی می کردند) اما همان گونه که پیشتر نیز گفته شد هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل گفتمان ادبی نشریه کیهان فرهنگی است؛ چرا که از نگاه دست اندرکاران این تحقیق، این نشریه تمام عناصر گفتمانی یکی از دو کلان گفتمان (سنت گرایی و تجدد گرایی) مورد بحث در فضای فکری و اجتماعی یک صد سال اخیر ایران را به پر رنگ ترین شکل خود داراست: سنت گرایی.

۲-۲ کیهان فرهنگی، اصول و راهبردها

کیهان فرهنگی که نخستین شماره ی آن تاریخ فروردین ۱۳۶۳ را بر خود دارد؛ ماهنامه ای فرهنگی-هنری است که زیر نظر مؤسسه ی کیهان اداره و چاپ می شده است. این ماهنامه که به اذعان طلایع ی نخستین شماره اش، در راستای «عرضه ی آثار، تبادل افکار، طرح مباحث و مشکلات فرهنگی جامعه ی اسلامی و در مجموع [...] بالا بردن سطح فرهنگ، ذوق و پیشینه ی جامعه» قلم می زد، خط مشی خود را این گونه مطرح می سازد:

خط مشی و آرزوی ما این است که «کیهان فرهنگی»، نه چون پاره ای مجلات ادبی، تنها به مطالب کهنه شده ی بسیار تخصصی و بی ارتباط با نیازهای فرهنگی اکنون و به دور از زمان حال-هرچند در جایگاه خود ارزشمند-پردازد و نه چون پاره ای دیگر از آن مجلات، پشت به سنت ها و اصالت ها و متون و محتواهای غنی گذشته کند و فقط به ترجمه ی آثار امروزی و گزارش های روزمره و مطالب جذاب کم ارزش بسنده کند. بلکه امیدواریم، در عین استفاده کافی از منابع و گنجینه های عظیم ذخایر فرهنگ اسلامی در ایران و دیگر نقاط و برکشیدن و برنشانندن آن ها به گونه ای شایسته و درخور استفاده ی زمان، از طراوت و تازگی حضور در صحنه ی جریان های فرهنگی نیز غافل نباشیم (بی-نام، ۱۳۶۳: ۳).

تأکید هیأت تحریریه ی کیهان فرهنگی بر فرهنگ اسلامی ایران و تلاش برای معرفی چهره های تأثیرگذار فرهنگی و ادبی-همان گونه که از نام آن نیز برمی آید-گرایش این نشریه به سنت ها را تا حدودی مشخص می سازد. توجه صرف به مسائل فرهنگی که در قالب گفتگو، نقد، ترجمه و مصاحبه در این نشریه منتشر می شود؛ تلاش گرداندگان آن را برای حرکت در مسیری هموار و ثابت (به دور از هرگونه جهت گیری سیاسی و جناحی) آشکار می سازد. اگرچه مسئولان این نشریه، به سبب ماهیت متفاوت و خط مشی روشن نشریه، از پرداختن به مسائل سیاسی خودداری می کنند؛ اما گاه، ردپای جهت گیری های سیاسی آنان را با استناد به مطالب درج شده در کیهان فرهنگی می توان دریافت.

در شماره ی ۲۵۵ و ۲۵۶ کیهان فرهنگی که در دی و بهمن ۱۳۸۶ در یک مجلد منتشر شده، مطلبی با عنوان «نمایش فرهنگی:

پیرامون پیشینه ی کیهان فرهنگی در پاسخ به گزارش کیهان فرهنگی» درج شده است که علی رغم جهت گیری فکری مشخص کیهان فرهنگی و امتناع این نشریه از ورود به مجادلات سیاسی، تا حدودی جهت گیری سیاسی مسئولان آن را آشکار می سازد. اگرچه، مطلبی مدیرمسئول کیهان فرهنگی اذعان می دارد که «کیهان فرهنگی در حال حاضر به فرهنگ این مملکت تعلق دارد؛ ما بلندگوی ویژه ی هیچ جناحی نیستیم، سعی می کنیم بی حاشیه و فارغ از جنجال و هیاهو، حرکت سالم و سازنده ای در جامعه ی علمی، فرهنگی و مطبوعاتی کشورمان داشته باشیم» (پروین زاده، ۱۳۸۶: ۳۳)؛ اما نوع پاسخ گویی و دفاع و باز پیشینه ی کیهان فرهنگی و بحث از حلقه ی کیان، به گونه ای است که به خوبی جهت فکری او را نشان می دهد:

این گروه [حلقه ی کیان]، در ایران برای اهل نظر شناخته شده است و همه می دانند که این افراد هیچ حرف نوی در زمینه ی دینی و روشنفکری بومی ندارند؛ تنها کسی که در بین این ها، به تعبیر آن عالم بزرگوار «فیلسوف نمایی» می کند، حاج فرج دباغ با اسم مستعار

سروش است که وی نیز افکار تئورسین های سازمان های سیاسی آمریکا در مبارزه با انقلاب های جهانی: [«پوپر» را همراه با چند حدیث و آیه و احیاناً چند شعر از مولانا بومی سازی و به اسم خودش منتشر می کند] پروین زاده، ۱۳۸۶: ۳۲).
با توجه به مطالب یادشده، آن سوی کیهان فرهنگی اندیشه و دیدگاهی جریان دارد که در جهت مقابل طرز نگرش اصحاب کیهان فرهنگی قرار می گیرد. این تقابل هر چند در این یک نمونه به شکل آشکاری رخ می-نماید؛ اما با نگاهی دقیق تر و واکاوی عمیق تر می توان کیهان فرهنگی و کیهان فرهنگی را در دو سوی طیف فکری دانست که فضای سیاسی و اجتماعی جامعه را دربر گرفته است. هر چند، به اذعان مسئولان کیهان فرهنگی، این نشریه جهت گیری فکری خاصی به سمت جناح های موجود در فضای سیاسی کشور ندارد، اما از آن جا که هیچ گرایش فکری در «وضعیت صفر گفتمانی» قرار ندارد؛ بی تردید گردانندگان این نشریه نیز، گرایش فکری ویژه ای دارند که در سامان دهی به مباحث و گزینش مطالب موجود در آن جهتی مشخص می بخشد. امری که در این پژوهش صرفاً در حوزه ی گفتمان های ادبی دو نشریه واکاوی می-شود.

۲-۳- گفتمان ادبی

گفتمان ادبی چیست؟ بررسی و تحلیل گفتمان ادبی در نشریه های یادشده، بدون ارائه ی تعریفی روشن و قابل قبول از گفتمان ادبی، کاری ناتمام است. در پاسخ به این پرسش باید از تعاریف گفتمان بهره گرفت. همان گونه که پیش از این نیز بیان شد؛ گفتمان نخستین بار از دیدگاه زبان شناسی، در بررسی و تحلیل متن به «واحد های بزرگ تر از جمله» و پس از آن به «زبان به مثابه ی کاربرد» اطلاق شد. پیشینه ی سیر تحولات معنایی گفتمان و شکل گیری گرایش های مختلف تحلیل گفتمانی در فصل دوم پژوهش حاضر، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از این رو، در این بخش صرفاً به بیان تعریفی از «گفتمان ادبی» بسنده می شود.
گفتمان ادبی را در برخی منابع این گونه تعریف کرده اند: «گفتمانی نقدی است که آثار ادبی و هنری را به منظور بیان زیبایی ها و تصویرگری ها و روش های آن و تأثیر بر خواننده و برانگیختن احساس وی و میزان ابداع و نوآوری های آن ها از جانب ادیب و هنرمند تحلیل می کند. گفتمانی است که بین ذات ادیب و هنرمند و واقعیتی که تصویرش می کند ارتباط برقرار می کند» (روشنفکر و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). در این تعریف، تکیه ی اصلی بر متون ادبی و پیوندی است که این متن ها با خوانندگان آن برقرار می سازند و اگرچه چنین تعریفی در نوع خود و با توجه به اهداف تحلیل گران آن، پذیرفتنی است؛ اما با اهداف و روش پژوهش حاضر هم سو نیست.
گفتمان ادبی را می توان به مثابه نگرش و رویکردی معرفی کرد که در آن، مفاهیم متعددی پیرامون معنایی خاص سازمان یافته و در مجموع، کل منسجم و یکپارچه ای را پدید آورده اند که در این کل منسجم، لایه-های درونی زبان (بافت متنی) با لایه های بیرونی آن (بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی و ...) پیوندی مناسب برقرار می سازند. به بیان دیگر، گفتمان ادبی، نوعی گفتمان است که از پیوند مفاهیم ادبی حول محور معنایی مرکزی، شکل گرفته و کل منسجمی را به وجود آورده است که اندیشه و نظرگاه خاصی را در حوزه ی مسائل ادبی، مطرح می سازد. در صورت پذیرش چنین تعریفی، کل ادبیات را می توان به عنوان یک کلان گفتمان در نظر گرفت که خرده گفتمان های متعدد و متنوعی را در دل خود جای داده است. خرده-گفتمان هایی که هر یک نظام معنایی خاص و هویت مشخصی دارند و در عرصه ی تعامل با دیگر خرده-گفتمان های فضای کلی ادبیات هر دوره را رقم می زنند: خرده گفتمان های ادبی سنت گرا، تجددگرا، ادبیات داستانی، شعر معاصر، شعر سنتی، ادبیات متعهد و ...

۲-۴- گفتمان ادبی نشریه ی کیهان فرهنگی

تلاش فرهنگی در جهت تقویت حضور نو و دوباره ی اسلام در عرصه ی اندیشه، تحقیق، ادب و هنر جامعه ی ایرانی و پاسداری از فرهنگ و ادب این سرزمین در مقابل «تیر زهر آگین فرهنگ و ادب و هنر» بیگانه که در نتیجه ی «هجوم تبلیغاتی، فرهنگی، هنری دشمن»، انسان ایرانی را هدف خود قرار داده بود، در نخستین سال های پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، هدف اولیه از انتشار کیهان فرهنگی بود که در دوره ی دوم انتشار این نشریه پس از توقیف پانزده ماهه ی آن در سال ۱۳۶۹ دنبال شد. اگرچه گذشت زمان و تحولات فکری جامعه در موضع گیری های گردانندگان این نشریه بی تأثیر نبوده است، اما با نگاهی به فهرست مطالب و موضوعات این نشریه در شماره های مختلف، تغییر چشمگیری در ترتیب و نوع مطالب به چشم نمی آید. معنی، سردبیر این نشریه با اشاره به روال سابق درج مطالب در کیهان فرهنگی: «معرفی یک چهره ی فرهنگی روی جلد و مصاحبه ای تحلیلی با او،

به همراه معرفی مختصر آثارش؛ شیوه ی کنونی (نیمه ی دوم دهه ی هشتاد شمسی) را نیز تداوم همان روال سابق می داند و می افزاید: «سعی داریم در هر شماره، چهره ای را روی جلد بنشانیم که به نوعی شگفتی زا باشند؛ بعد هم به زندگی، خانواده و اثرگذاری و تأثیرپذیری های آن شخصیت می پردازیم و سعی می کنیم آثار وی را حتی المقدور به صورت مجزا بررسی کنیم» (پروین زاده، ۱۳۸۶: ۳۳).

دغدغه ی اصلی کیهان فرهنگی همان گونه که از نامش نیز برمی آید، درج مطالبی فرهنگی است که در قالب عناوین کلی مانند: «اندیشه»، «زبان و ادبیات»، «تحقیق و تاریخ»، «اخبار فرهنگی»، «کتاب های تازه»، «با هنرمندان» و ... صورت گرفته است. هر یک از این بخش ها نیز متناسب با اهداف کلی نشریه، حاوی ریز عنوان هایی است که در قالب گفتگو، نقد و نظر، مقاله ی علمی، خاطرات و ... سامان یافته اند. زیرشاخه های بخش ادبی نشریه با عنوان «زبان و ادبیات» به شرح زیر است:

- ۱- معرفی شخصیت های ادبی؛
- ۲- نقد و نظر (مقاله های علمی)؛
- ۳- شعر؛

۴- بررسی و معرفی کتاب.

در بخش معرفی شخصیت های ادبی در کیهان فرهنگی که در واقع پیرو خط مشی اصلی نشریه در معرفی شخصیت های فرهنگی کشور است؛ تنها دو تن از چهره های برجسته ی علمی و ادبی کشور در سال های مورد بحث (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷) معرفی شده اند: «عباس کی منش» متخلص به «مشفق کاشانی»، شاعر و غزل سرای معاصر (شماره ۲۴۶ و ۲۴۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶) و «فیروز حریری» استاد زبان و ادبیات عرب در دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان زبان و ادبیات عربی سوریه (شماره ی ۲۳۸، مردادماه ۱۳۸۵). مباحث ادبی این شماره متأثر از شخصیت محوری افراد یادشده، علاوه بر درج آثاری از این افراد، به مطالبی اختصاص یافته که به نحوی در پیوند با حوزه ی تخصصی شخصیت های یادشده است. چنان که در بخش ادبی شماره ی یادشده از کیهان فرهنگی، ضمن معرفی استاد مشفق کاشانی در گفتگویی با عنوان «غزل و نوآوری»، مطالب زیر در پیوند با این شخصیت درج شده است:

- ققنوس غزل: [اشعار مشفق کاشانی]

- سبک و لحن شعر مشفق: [نقد مهرداد اوستا بر کتاب «سرود زندگی» شاعر]
- دفتر حالی دگر: [نقد محمود شاهرخی بر کتاب «آینه ی خیال»]
- شاعری همیشه در اوج طراوت: [منوچهر آتشی و یاد از خاطرات گذشته]
- خلوت انس یاران مشفق و همراه کاروان: [مروری بر خاطرات]

محوریت مشفق کاشانی در درج مطالب ادبی، افزون بر موارد فوق، در مقاله های دیگری که به شعر سهراب سپهری نیز اختصاص یافته نیز مشاهده می شود. شاعری که دوست و همشهری مشفق کاشانی بود و با تلاش فرد اخیر موفق به چاپ اولین مثنوی بلند خود شد.

بخش نقد و نظر کیهان فرهنگی، عموماً به درج مطالب علمی و ادبی پیرامون شعر و شاعران سنتی و کهن فارسی اختصاص دارد؛ حافظ، سعدی، مولانا، رودکی، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی و ده ها شاعر دیگر که هر یک سهمی در اعتلای فرهنگ این مرز و بوم داشته اند. البته نشریه از بررسی شاعران معاصر نیز غافل نمانده است و از جمله به بررسی اشعار رهی معیری، سهراب سپهری، طاهره صفارزاده، محمدجواد محبت و ... از منظر های مختلف پرداخته است. شعر جهان نیز در این بخش از نقد و نظر صاحب نظران ایرانی دور نمانده است. به عنوان نمونه: عبدالعلی دستغیب در شماره ی ۲۶۳ (شهریور ماه ۱۳۸۷) به بررسی «اندیشه و شعر تی اس البیوت» شاعر و منتقد آمریکایی-انگلیسی پرداخته است. البته بسامد این گونه مقاله ها در کیهان فرهنگی چشمگیر نیست و در سال های مورد نظر پژوهش حاضر، از تعداد انگشتان دست فراتر نمی رود. افزون بر این، موضوعات کلی در ادبیات فارسی مانند: «بحث اسطوره و ادبیات»، «دوبیتی ها و ترانه های ملی»، «تأثیر متقابل اسلام و ادب فارسی» و مانند این ها نیز در این بخش مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

بخش شعر به سه دسته ی مجزا تقسیم می شود: ۱- اشعار شاعران ایرانی؛ ۲- شعر جهان و ۳- یک خاطره یک شعر. در این بخش اشعاری از شاعران ناشناخته و کمتر شناخته شده ی ایران (زیر نظر اکبر بهداروند) و جهان منتشر می شود. نکته ی قابل توجه در درج این اشعار، بسامد قالب های سنتی و نیمه سنتی اشعار است که با اندکی تفاوت در شماره های مختلف شامل «غزل»، «مثنوی»، «دوبیتی»، «رباعی»، «چهارپاره» و مانند آن می شود. البته بسامد «شعر نو» در قالب «نیمایی» (که در مقایسه با دیگر انواع شعر نو، پابندی بیشتری به رعایت وزن و قافیه دارد) نیز در برخی شماره ها قابل توجه است. با این حال، در مقایسه با قالب های سنتی شعر، این اشعار که عمدتاً محتوایی غنایی (عاطفی-احساسی) دارند، از نظر حجمی و کمی در مرتبه ی دوم قرار می گیرند. در بخش شعر جهان، نیز اشعار شاعران کمتر شناخته شده ای مانند: «شکران کورد آکول» شاعر ترکیه ای، «اریش کستنر» شاعر آلمانی، «جبرا ابراهیم جبرا» شاعر فلسطینی و ... به زبان اصلی، به همراه خلاصه ای از زندگی، آثار و ترجمه ی اشعارشان درج شده است.

البته این بخش در تمامی شماره ها وجود ندارد و به تفاوت در برخی شماره ها به چشم می آید. یک شعر، یک خاطره نیز به اشعاری اختصاص می یابد که غالباً در قالب شعر نو و به مناسبت خاطره یا حادثه ای سروده شده اند.

نقد و بررسی کتاب نیز به معرفی آثار متنوعی اختصاص دارد؛ از آثار شاعران و نویسندگان قدیم و جدید تا داستان های معاصر. به عنوان نمونه، بررسی و معرفی آثار مولانا جلا الدین محمد بلخی؛ بررسی کوتاه کتاب «جلوه های جهانی» اثر طاهره صفارزاده به مناسبت حضور این اثر در نمایشگاه کتاب؛ نگاهی به مجموعه داستان «زمزمه ی لالون» اثر مهدی خلیلی، نقد، بررسی و معرفی کتاب «عقرب روی پله های راه آهن اندیمشک» اثر حسن مرتضائیان آبکنار و ...

جهت گیری کلی کیهان فرهنگی به سمت فرهنگ سنتی جامعه ی ایرانی است که با نگاهی دینی و گرایش های اسلامی همراه شده است. غلبه ی این نگاه و گرایش را می توان در مباحث ادبی نشریه نیز مشاهده نمود. توجه به حوزه ی سنتی ادبیات فارسی و مؤلفه های گفتمانی آن نظیر: زیبایی شناسی و بلاغت، اشعار و آثار، شاعران و مفاهیم و موضوعات سنتی، خط مشی مسئولان این نشریه را به خوبی آشکار می سازد. تاجایی که آثار ادبی جدید فارسی نیز در پرتو همین نگاه سنتی مطرح و بررسی می شوند. جدول زیر گلچینی فهرست وار از عناوین مطالب درج شده در این نشریه و مهر تأییدی است بر سنت گرای دین-محور مسئولان نشریه در درج مباحث ادبی.

جدول (۱) عناوین مطالب نشریه ی کیهان فرهنگی، سال های ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷

ردیف	عنوان	ردیف	عنوان
۱	شعر متعهد در صدر اسلام	۲	آموزه های مثنوی مولانا برای انسان معاصر
۳	اعجاز و بلاغت قرآن	۴	تصویر معراج در اشعار سنایی، خاقانی و نظامی
۵	سیمای پیامبر در دیوان عبدالرزاق اصفهانی	۶	پژوهش زبانشناختی واژه ی حنیف در قرآن
۷	قرآن بالای سرم: کلام خدا در شعر سهراب سپهری	۸	شاهنامه، رسالت عصر فردوسی
۹	گلواژه های نبوی در بوستان سعدی	۱۰	به مستوران مگو اسرار هستی [: مولانا و نگاه عرفانی او]
۱۱	اتحاد و انسجام در ادب فارسی [بررسی مسأله ی وحدت، همدلی و تألیف قلوب]	۱۲	مسیحیت در دیوان خاقانی
۱۳	سیمای پیامبر در دیوان خاقانی	۱۴	من مسلمانم: گرایشات دینی در اشعار سهراب سپهری
۱۵	مذهب و شعر فلسطین	۱۶	جمال از منظر مولانا محمد بلخی
۱۷	شعر از دیدگاه پیامبر اسلام	۱۸	دیدار خاقانی با خضر
۱۹	کهن ترین مرثیه سرایی در شعر پارسی	۲۰	مقام اهل بیت در شعر خاقانی
۲۱	اخلاق در مثنوی	۲۲	تحلیل سبکی ترکیب بند محتشم کاشانی در رثای سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله (ع)
۲۳	تأثیر قرآن و حدیث بر رودکی	

افزون بر عناوین یادشده که گرایش های سنتی و دینی کیهان فرهنگی را آشکار می سازد؛ محوریت نقد و بررسی آثار از منظر زیبایی شناسی ادبی در این نشریه نیز با بلاغت سنتی است. این قبیل مباحث در کنار دیگر بخش های ادبی نشریه، بازتابی از خط مشی اصلی کیهان فرهنگی است که در بخش بعد در قالب تحلیل گفتمان ادبی بررسی و تجزیه و تحلیل می شود.

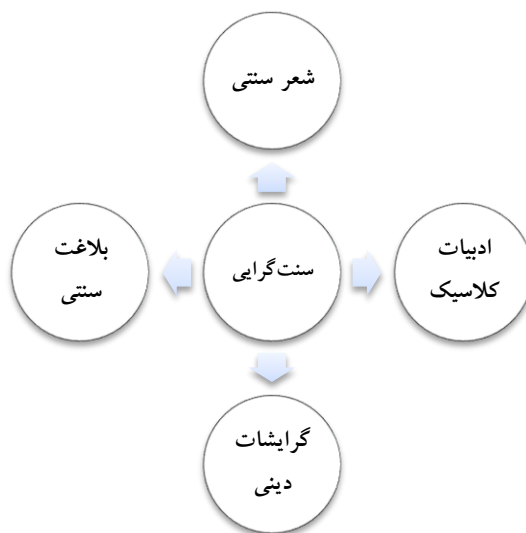
۲-۵- تحلیل گفتمان ادبی نشریه ی کیهان فرهنگی

همان گونه که در بخش های پیشین نیز اشاره شد، نشریه ی کیهان فرهنگی با توجه به دیدگاه ها و طرز نگرش گردانندگانش، گفتمان ادبی ویژه ای را مطرح ساخته است که حاوی مؤلفه ها و مفاهیم ادبی خاصی است. در این بخش تلاش می شود تا با بهره گیری از مرحله ی توصیف در روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، مؤلفه های گفتمان مدار نشریه ی یادشده استخراج، طبقه بندی و در مقایسه ای تطبیقی، تجزیه و تحلیل شود.

لازم به توضیح است که بررسی مطالب کیهان فرهنگی نیز در همین بازه ی زمانی نیمه دوم دهه هشتاد شمسی صورت می گیرد.

۲-۶- مفصل بندی گفتمان کیهان فرهنگی

با نگاهی به فهرست عناوین مطالب ادبی نشریه ی کیهان فرهنگی که در جدول (۱) ذکر شده ، رویکرد این نشریه به مباحث ادبی را می توان در قالب مؤلفه های اصلی گفتمان ادبی آن جستجو کرد. شاخص اصلی این گفتمان، همان گونه که در بخش پایانی مبحث پیشین نیز به آن اشاره شد، سنت گرایی است که با دیگر گرایش های فرهنگی این نشریه، همبستگی تمام دارد. نمودار (۱) مفصل بندی گفتمان ادبی نشریه ی کیهان فرهنگی را نشان می دهد.



نمودار (۱) مفصل بندی گفتمان ادبی نشریه کیهان فرهنگی

مطابق نمودار (۱)، «سنت گرایی» دال مرکزی گفتمان ادبی نشریه ی کیهان فرهنگی است که با مفصل بندی دال های پیرامونی آن: «شعر سنتی»، «ادبیات کلاسیک»، «گرایشات دینی» و «بلاغت سنتی» فضای گفتمان ادبی این نشریه را تشکیل داده اند. همبستگی دال های پیرامونی این گفتمان، به شکلی معنادار در عناوین اصلی مطالب نشریه (جدول (۱)) بروز یافته است. بررسی موضوعی عناوین نیز نتیجه ی مشابهی در بر دارد. به بیان دیگر، اگر عناوین تمامی مطالب نشریه را زیر جدول واحدی مرتب سازیم، تسلط گفتمان سنت گرایی را در تمامی زمینه ها اعم از: زیبایی شناسی و بلاغت، موضوعات و مضامین ادبی، شاعران و نویسندگان مورد توجه و ... مشاهده می کنیم. عناوینی که با رنگ و بوی اخلاقی و دینی، جنبه ی دیگری از تعلق محتوای مطالبشان به گفتمان سنت گرایی را آشکار می سازند.

محوریت سنت در طرح مباحث و معرفی چهره های ادبی در کیهان فرهنگی به حدی است که اگر از پرونده ی گفتگو با شخصیت های ادبی معاصر نظیر: «مشفق کاشانی»، «فیروز حریرچی»، «زهره حسینی» و «سعید حمیدیان» چشم بپوشیم، کمتر شاعر و نویسنده ی معاصر را می توانیم بیابیم که در صفحات ادبی این نشریه جایی را به خود اختصاص داده باشد. البته سهراب سپهری را باید از این قاعده جدا دانست.

مقاله هایی که به بررسی اشعار سهراب سپهری پرداخته اند، همگی در پیوند با مفاهیم ایدئولوژیک نشریه و در راستای گرایش های دینی-اسلامی آن قرار دارند. به عنوان نمونه: «قرآن بالای سرم: کلام خدا در شعر سهراب سپهری» «من مسلمانم: گرایشات دینی در اشعار سهراب سپهری» که در دو شماره ی مجزا به چاپ رسیده اند، نگرشی واحد به شعر سپهری دارند. نویسنده در این مقاله ها با انتخاب بخشی از اشعار شاعر که گرایش های ایدئولوژیکی او را باز می تاباند، به تعریف مجدد واژه ها دست زده است. «قرآن» همان کلام خداست و «مسلمانی» نوعی گرایش دینی به حساب می آید و نویسنده با پیوند دادن این مفاهیم با نام و شعر شاعر، هاله ای از معنا را گرد شخصیت او، شکل می دهد که در سایه آن، از بار تعلق این شاعر به حوزه ی ادبیات جدید و شعر نو معاصر می کاهد. گرایش های عرفانی سپهری نیز نویسنده را در این معنادهی یاری کرده است.

توجه ویژه به مفاهیم اخلاقی و دینی که نمودی از نگرش های ایدئولوژیک گردانندگان کیهان فرهنگی است، نه تنها در بررسی آثار شاعران و نویسندگان، به عنوان عنصری ثابت مد نظر مسئولان نشریه بوده، بلکه در راستای عربی بودن زبان قرآن، به حوزه شعر و ادبیات عرب نیز کشیده شده است. «پژوهش زبانشناختی واژه حنیف در قرآن»، «آرزوی بازگشت در شعر امروز فلسطین»، «فرهنگ عامیانه در شعر فلسطین»، «بازتاب شکست نظامی در شعر امروز فلسطین»، «آوارگی در شعر فلسطین» و جزآن، افزون بر این که با مقوله دیگری از حوزه گفتمان سنت گرا پیوند دارند، اهمیت زبان عربی به عنوان زبان قرآن را در خط مشی فکری صاحبان کیهان فرهنگی آشکار می سازد.

نکته درخور توجه این که کیهان فرهنگی، تلاش چندانی جهت انعکاس وقایع روز در مطالب ادبی نشریه، نشان نمی دهد. درواقع از آن جا که پاسداری از فرهنگ با پاسداری از سنت ها پیوندی ناگسستنی دارد، کیهان فرهنگی نیز از این قاعده عدول نکرده و افزون بر پایبندی به سنت های فرهنگی، به سنت های ادبی نیز پایبند مانده است. نمونه بارز این پایبندی به سنت های ادبی را به ویژه در بررسی بلاغت و زیبایی شناسی آثار ادبی می توان مشاهده کرد.

۲-۷- مولفه های گفتمان مدار نشریه کیهان فرهنگی

کیهان فرهنگی نیز متناسب با سنت گرای دین محور خود، فضای بسته ای را شکل داده است که در آن، تنها چهره ها، آثار، موضوعات و مسائلی اجازه و امکان ورود به این نشریه را دارند که تعارضی جدی با خط مشی اصلی این نشریه نداشته باشند. مشیی که با دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی، زبان و ادبیات فارسی را وسیله ای برای گسترش ایمان و صدور انقلاب در جهان می داند: «اکنون راینزان فرهنگی کشورمان در تمام نقاط جهان برای گسترش ایمان باید از زبان فارسی و فارسی زبانان حمایت کنند و مسئولان باید به خاطر داشته باشند: آموزش ادب فارسی مساوی با تعلیم معارف و صدور انقلاب اسلامی است» (معلی، ۱۳۸۷: ۴). چنین نگرشی طبعاً عقاید و اندیشه های مخالف حکومت را برنمی تابد و فرهنگ و ادب بیگانه را خطری برای فرهنگ اسلامی جامعه قلمداد کرده، از پرداختن به شعر و ادب جهان در حد وسیع و به ویژه ادبیات روز کشورهای غربی که همواره دشمن اسلام و انقلاب شناخته شده اند، سر باز می زند. درمقابل، با توجه ویژه نشان دادن به فرهنگ مقاومت فلسطین، شعر و ادبیات این سرزمین را به شکلی گسترده مورد بررسی قرار می دهد. گرایش های ایدئولوژیک که به ویژه در کیهان فرهنگی خود را نشان می دهد، در قالب پرداختن به موضوعات ادبی مرتبط با مذهب تشیع نمودی بارزتر می یابد.

۱- نتایج تحقیق

- (۱) کیهان فرهنگی نیز به سبب دغدغه های فرهنگی و دفاع از ارزش های سنتی جامعه، با تکیه بر دال مرکزی «سنت گرایی»، گفتمان ادبی خود را در قالب «ادبیات کلاسیک»، «شعر سنتی»، «گرایشات دینی» و «بلاغت سنتی»، مفصل بندی کرده است.
- (۲) در جدول زیر برخی مشخصات گفتمان ادبی نشریه کیهان فرهنگی به اختصار درج شده است:

ردیف	کیهان فرهنگی (سنت گرایی)
۱	تکیه بر مفاهیم و گزاره های اخلاقی و ایدئولوژیک
۲	تکیه بر اصول، مبانی و رویکردهای کلاسیک و بنیادین در زیبایی شناسی هنری
۳	وحدت گرایی در افرینش هنری اصالت دارد
۴	اصالت داشتن انگاره تعهد هنری
۵	در فرم های شعر بیشتر به قالب های کلاسیک اصالت می بخشند و اگر گاهی به قالب های نوین شعری پرداخته می شود، محتوای مد نظر خود را به لحاظ ایدئولوژیک در آن جسنجو می کنند
۶	در داستان، اصولاً به روایت های ساده و بدون پیچیدگی علاقه نشان می دهند و اصولاً تمایلی به شگردها و فرم های متاخر در داستان نویسی نشان نمی دهند
۷	در شعر و داستان بعد از انقلاب خود را متعهد به ترویج شاعران و نویسندگان معروف به انقلاب و دفاع مقدس می دانند. در نشریات خود صرفاً حلقه خاصی از این دست افراد ترویج می شوند: علی معلم دامغانی، موسوی گرمارودی، حمید سبزواری، احمد عزیزی، یوسفعلی میرشکاک، علیرضا قزوه (در شعر) محمد رضا سرشار، محمد احمدزاده، احمد دهقان، بابک صحرایی، محمد رضا سنگری، بلقیس سلیمانی، رضا امیرخانی و ... (در داستان)
۸	شاعران و نویسندگان موسوم به طیف انقلاب و دفاع مقدس در این دسته می گنجند

در ادبیات جهان بیشتر گرایش به ترویج آثار آفرینندگان خاورمیانه عربی و امریکای لاتین دارند و اساساً به لحاظ محتوایی مروج آن دسته از آثاری هستند که درن مایه مبارزاتی و مقاومت در برابر استعمار و استکبار داشته باشد.

۳) بر این اساس، صحت فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شود. زیرا با توجه به پایگاه های فکری خاص این نشریه، گفتمان ادبی آن نیز روشن می شود زیرا از اصول زیبایی شناسی و فکری - محتوایی خاصی پیروی می کند؛ اضافه بر آن که در طرح دیدگاه های خود دسته ای خاص از آثار یا نویسندگان و شاعران را مطرح می کند.

۴) کیهان فرهنگی نیز با مفصل بندی مفاهیمی چون: «ادبیات کلاسیک»، «شعر سنتی»، «گرایشات دینی» و «بلاغت سنتی» حول دال مرکزی «سنت گرای» به حوزه فکری و پایگاه اجتماعی این کلان گفتمان نزدیک شده است.

۴- فهرست منابع

۱. آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۳) مشروطه ایرانی، تهران: نشر اختران.
۲. آدمیت، فریدون (۲۵۳۶) اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار)، [بی جا]: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۳. آژند، یعقوب (۱۳۹۳) ویژگی های نوزایی ادبی در دوران مشروطه، بخش نخست: ازدوران مشروطیت تا سال ۱۳۰۰ خورشیدی، بازیابی شده در ۱۳۹۳/۴/۲۵، به نقل از:
۴. <http://aryaadib.bloffa.com>
۵. آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰) تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان شناسی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. آقاگل زاده، فردوس، معصومه ارجمنندی و ... (۱۳۸۹) کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده «خواهران» اثر جیمز جویس، فصلنامه پژوهش های زبان و ادبیات تطبیقی، ۱(۳)، ۱-۲۴.
۷. آقاگل زاده، فردوس و مریم سادات غیاثیان (۱۳۸۶) رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، فصلنامه زبان و زبان شناسی، ۳(۵)، ۳۹-۵۴.
۸. ابطیحی، سید مصطفی (۱۳۹۳)، ۱۱ اردیبهشت) دین ستیزی پهلوی و گفتمان دینی، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳۱ از
<http://rasekhoon.net/article>
۹. اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۲) جایگاه احزاب سیاسی در صورت بندی گفتمان سیاسی - امنیتی انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶، ۲۵۳-۲۷۴.
۱۰. اکبری، کمال (۱۳۸۸) نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی، علوم سیاسی، ۱۲(۴۷)، ۵۳-۷۷.
۱۱. امینی، علیرضا (۱۳۸۶) تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر.
۱۲. باقری، محمدصادق (۱۳۸۸) از کیان تا کیهان: جریان شناسی فکری، فرهنگی و سیاسی پس از جنگ تحمیلی، سوره، شماره ۴۵، ۱۰۰-۱۱۰.
۱۳. بشیر، حسن (۱۳۸۶) روشنفکران ایرانی و گفتمان توسعه سیاسی در عصر قاجار، فصلنامه خط اول، ۱(۳)، ۴۵-۶۴.
۱۴. بشیریه، حسین (۱۳۸۲) دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.
۱۵. بی نام، (۱۳۶۳) طلعه: کلمه اول، شماره (۱)، ۱-۴۸.
۱۶. پروین زاده، مهدی (۱۳۸۶) نمایش فرهنگی: پیرامون پیشینه کیهان فرهنگی در پاسخ به گزارش کیهان فرهنگی (گفتگو با محمدعلی معلی)، کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۵ و ۲۵۶، ۲۸-۳۳.

۱۷. پورسفیر، حسن (۱۳۸۷) جایگاه مفهوم عدالت در گفتمان اصول گرا با تأکید بر نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۸. حصیری، فاطمه (۱۳۹۰) بازنمایی کنش اجتماعی در گفتمان فارسی و انگلیسی: تحلیل گفتمان انتقادی در مورد انرژی هسته ای در روزنامه های ایران و آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۹. حکمت، سپهر (۱۳۸۹) گفتمان عدالت و معنویت: جستاری نشانه شناسانه در گفتمان سیاسی دکتر محمود احمدی نژاد، تهران: انتشارات هومن نوائی.
۲۰. خانیکی، هادی (۱۳۹۲) در جهان گفتگو: بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم، تهران: هرمس.
۲۱. خستو، رحیم (۱۳۸۶) نسل اول روشنفکران ایرانی و مدرنیته سیاسی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد کرج، ۴(۶)، ۶۷-۱۰۲.
۲۲. دستگردی، وحید (۱۳۳۶) تجدد ادبی یا انقلاب ادبی، ارمغان، ۲۶(۸)، ۳۳۷-۳۴۳.
۲۳. رحمت الهی، حسین و شهاب الدین موسوی زاده (۱۳۹۰) نقش طبقه متوسط جدید در مطالبات مردم سالارانه دوره پهلوی، جامعه شناسی ایران، ۱۲(۴)، ۵-۴۲.
۲۴. رحیمی، حمیدرضا (۱۳۹۳، ۲۱ اردیبهشت) دال های یک گفتمان فروپاشیده (نشانه شناسی گفتمان پهلویسم و انقلاب اسلامی از منظری تقابلی)، بازیابی شده در تاریخ ۹۳/۴/۳۰ از: <http://www.newtalk.rassad.ir/ArticleDetail.aspx>
۲۵. رضاپور، حسین (۱۳۹۱، ۳ خرداد) احزاب سیاسی ایران پس از انقلاب، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳۱ از: <http://yahosein52.blogfa.com>
۲۷. روشنفکر، کبری و دانش محمدی (۱۳۸۸) تحلیل گفتمان ادبی خطبه های حضرت زینب(س)، سفینه، ۶(۲۲)، ۱۲۷-۱۴۹.
۲۸. رهبری، مهدی (۱۳۸۷) روحانیت، انقلاب مشروطه و ستیز میان سنت و تجدد، دانش سیاسی، ۴(۱)، ۹۵-۱۲۲.
۲۹. سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳) تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، علوم سیاسی، ۷(۲۸)، ۱۵۳-۱۷۹.
۳۰. سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۹۱) قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نشر نی.
۳۱. شهبازی، عبدالله (۱۳۸۹، ۳۰ آذر) پنج ویژگی تجددگرایی افراطی در دوران قاجاریه، سخنرانی عبدالله شهبازی، به نقل از خبر آنلاین، بازیابی شده در: ۱۳۹۳/۴/۳۰، از: <http://tarikhiran.ir/fa/news/4/bodyview>
۳۲. صاحبی، سیامک؛ محمدهادی فلاحی و نسترن توکلی (۱۳۸۹) بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۱۶(۱)، ۱۰۹-۱۳۳.
۳۴. ظریفی نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸) کالبدشکافی جناح های سیاسی ایران ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸، با مقدمه سید مصطفی تاج زاده، تهران: آزادی اندیشه.
۳۵. عباافها، محمد (۱۳۸۵) سه رویکرد به مشروطیت، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۷-۲۳۰، ۹۰-۹۷.
۳۶. عباس زاده، هوشنگ (۱۳۹۳، ۲۶ مرداد) «نقش مطبوعات در شکل گیری افکار عمومی»، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲۶ از: <http://vista.ir/Article>
۳۷. عضدانلو، حمید (۱۳۸۰) گفتمان و جامعه: با گرامی داشت و مقاله ای از بروس لینکن، تهران: نشر نی.

۳۸. فاضلی، محمد (۱۳۸۳) گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۴(۱۴)، ۸۱-۱۰۶.
۳۹. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، مترجمان: فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرامپور ... [و دیگران]، ویراستاران: محمد نبوی، مهران مهاجر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۴۰. قجری، حسینعلی و جواد نظری (۱۳۹۲) کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، تهران: جامعه شناسان.
۴۱. قدس، رضا (۱۳۷۵) ناسیونالیسم ایرانی و رضا شاه، مترجم علی طایفی، فرهنگ و توسعه، شماره ۲۳، ۴۹-۵۲.
۴۲. قوچانی، محمد (۱۳۸۷) درباره این ضمیمه، کیهان فرهنگی: جنگ شهروند (ضمیمه ماهانه شعر و داستان‌کیهان فرهنگی)، شماره ۱، ۱-۲۲.
۴۳. (۱۳۸۶) کوتوله ها و قهرمان ها، کیهان فرهنگی، ۲(۴۵)، ۱-۱۱۴.
۴۴. الف: کمالی، مسعود (۱۳۸۱) جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، مترجم کمال پولادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
۴۵. ب: کمالی، مسعود (۱۳۸۱) دو انقلاب ایران: مدرنیته، جامعه مدنی و مبارزه طبقاتی، تهران: نشر دیگر.
۴۶. گودرزی، محسن (۱۳۸۸) تحلیل گفتمان انتقادی، کتاب ماه: علوم اجتماعی، ۲۲(۲)، ۷۷-۸۱.
۴۷. محسنی، محمدجواد (۱۳۹۱) جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف، معرفت فرهنگی، ۳(۳)، ۶۳-۸۶.
۴۸. مرتجی، حجت (۱۳۷۸) جناح های سیاسی در ایران امروز، با مقدمه صادق زیباکلام، تهران: انتشارات نقش و نگار.
۴۹. معلی، محمدعلی (۱۳۸۷) طلیعه: تأثیر متقابل اسلام و ادب فارسی، کیهان فرهنگی، شماره ۲۶۰، ۴-۴.
۵۰. میلز، سارا (۱۳۸۲) گفتمان، مترجم فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم.
۵۱. نظری، علی اشرف (۱۳۸۴) (تحلیل قدرت سیاسی از دیدگاه استیون لوکس) قدرت از نگاه کثرت گرا، اصلاح طلب و رادیکال، راهبرد، ۳۶، ۳۸۳-۳۹۲.
۵۲. الف: (۱۳۸۶) هویت مدرن و ظهور گفتمان مشروطیت در ایران، فصلنامه ی مطالعات ملی، ۸(۴)، پیاپی ۳۲، ۲۹-۵۴.
۵۳. ب: (۱۳۸۶) ناسیونالیسم و هویت ایرانی، مطالعه موردی دوره پهلوی اول، پژوهش حقوق و سیاست، ۹(۲۲)، ۱۴۱-۱۷۲.
۵۴. یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳) گفتمان رایج و انتقادی، تهران: هرمس.
۵۵. یزدانی خرم، مهدی (۱۳۸۶) مردی با بال های سربی، کیهان فرهنگی، ۲(۴۷)، ۱-۱۰۰.
۵۶. (۱۳۸۷) آفرینش هنری و کار روشنفکری، گفتگو با بابک احمدی، کیهان فرهنگی، ۳(۶۳)، ۱-۱۲۵.

**Literary Discourse analysis of - "Keyhan-e-farhangi" journal
During: (2006-2011)**

Abstract

Social Medias are efficient tools to transfer thoughts and ideas of intellectual forces in society. Orientation of this communicational tools to the certain intellectual trends consistently don't be appeared in their structure and content. In order to achieving this Orientation of this communications, we should use some approaches that appear their deep structure and underneath layers, by pulling the cross-linguistic one's over. Analysis of literary discourse of "Keyhan-e-farhangi" (The second half of solar eighties' journals) by means of critical discourse analysis' approaches (specially first step of Fairclough's approach) is the goal of this research. Showing the traces of thought and course of this journals' owner in the croaser layers of is the main objective of this research. Literary discourse analysis of "Keyhan-e-farhangi " show that this journal is propounding special topics, personalities and works.

Key word:

Discourse Analysis, Traditionalism, Modernism, Mass Media, Keyhan-e-farhangi